



بررسی علل عضویت دائم ایران در پیمان شانگهای و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران



علی عبدلی* - دکتر الهام حسین خانی**

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

چکیده

امنیت ملی هر کشوری از مجموعه تحولات داخلی و پیرامونی خود حادث می‌شود. کشورها برای بالا بردن امنیت ملی خود در پیمان‌های اقتصادی، امنیتی و ... عضو می‌شوند، پیمان شانگهای یکی از پیمان‌های منطقه‌ای است که ایران در سال ۲۰۲۱ به عضویت دائم آن درآمد. بنابراین سوال اصلی پژوهش فوق این است که عضویت دائم ایران در پیمان شانگهای چه تاثیری بر امنیت ملی ج.ا.ا. خواهد داشت؟ در این راستا برای دستیابی به اهداف پژوهش از گزاره‌های نظری واقع‌گرایی تدافعی بهره گرفته شده است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات موردنیاز نیز به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال فشارهای حداکثری امریکا بر اساس نشانه‌هایی از مقاومت و تداوم در الگوی رفتار استراتژیک منطقه‌ای، در این حوزه از راهبرد موازنه‌گری سخت و اتحاداتئتلاف به عنوان سازوکار اصلی مقابله با فشارهای راهبردی و حدکثری امریکا بهره گرفته است. بنابراین حضور فعال ایران در پیمان شانگهای می‌تواند به طور تدریجی در ارتقاء امنیت ملی این کشور تأثیر بسزایی داشته باشد.

کلیدواژگان

پیمان شانگهای، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، قدرت، سیاست خارجی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم پایه، دانشکده فارابی، تهران، ایران.

** نویسنده مسئول، مدرس مدعو گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. / ایمیل:

elham.hosseinkhani@kiauu.ac.ir

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده راهبرد سیاست خارجی و امنیتی کشورها عوامل محیطی می‌باشد. در واقع، سیاست خارجی و امنیتی همه کشورها با محیط در تعامل است. از این جهت، سیاست امنیتی کشورها ممکن است تحت تأثیر عوامل خارجی از قبیل موقعیت ژئوپلیتیک، ساختار نظام بین‌الملل و ساختار و محیط امنیتی منطقه‌ای قرار گیرد. راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌موازات تأثیرپذیری از تغییرهای داخلی، تحت تأثیر روندهای امنیتی محیطی قرار داشته است. با توجه به شکست برجام و کنار کشیدن امریکا به عنوان اصلی‌ترین ستون این قرارداد و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات دولت اعتدال با سایر کشورهای عضو برجام و همچنین فشار حداکثری امریکا در راستای تحریم ایران، مسئولین جمهوری اسلامی ایران در پی موازنه قدرت روی به منطقه‌گرایی و اعتماد بیشتر به شرکای شرقی خود و افزایش توان چانه با کشورهای همسایه آوردند. از این رو می‌توان به قرار داد ۲۵ ساله ایران و چین، قراردادهای اقتصادی ایران و عراق و عضویت این کشور در پیمان‌شانگهای اشاره نمود. از این رو پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی گزاره‌ها و واقعیات موجود در این زمینه پاسخ مستدل و مستندی برای این موضوع ارائه دهد. عضویت ایران در پیمان شانگهای چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟

پژوهش فوق بر این فرضیه استوار است که ایران با توجه به اصول واقع‌گرایی که در اکثر مواقع سیاست خارجی خود را بر آن بنا نهاده است و همچنین به طور اخص در این برهه زمانی با توجه به فشارهای متفاوت و تهدیداتی که در بالا به آن اشاره شد با تکیه بر واقع‌گرایی تدافعی به موازنه قوا در منطقه و افزایش سطح اعتبار جهانی خود با چانه‌زنی‌ها و همکاری‌ها منطقه‌ای نه تنها مقاومت می‌نماید بلکه در صدد افزایش قدرت خود در منطقه و بالا بردن توان امنیت ملی نیز است.

در واقع، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی حوزه‌ای است که سیاست خارجی یک کشور یا واحد ملی در آن به کنش و تعامل می‌پردازد. از این جهت، حوزه منطقه‌ای خاورمیانه و اوراسیا را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین محیطی تلقی کرد که سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آن عمل می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع همگرایی سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای در سده اخیر در نظام بین‌الملل، تلاش اروپا برای حرکت به سوی همگرایی منطقه‌ای و نبود سازمان‌دهی در شرق آسیا و آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی سابق و به تبع پیمان ورشو، سازمان همکاری شانگهای که از نظر جمعیت و وسعت نیمی از جهان را در بر می‌گیرد، با برخورداری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی سیاسی، امنیتی و اقتصادی این سازمان را به وزنه‌ای تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل نموده است. لذا با توجه به موارد ذکر شده این سازمان با نقش آفرینی موثر خود در همگرایی منطقه‌ای، می‌تواند اهمیت فراوانی در مهیا نمودن بستر نقش آفرینی حداکثری ایران در منطقه و بلکه جهان داشته باشد و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان یادشده

و نگاه استراتژیک به این سازمان نیز به عنوان پیشران تسهیل کننده نیل به سیاست خارجی و اهداف راهبردی نظام، می‌تواند در تامین منافع ملی ج.ا.ایران از نقش و تاثیر محسوسی برخوردار باشد همچنین در راستای ضرورت پژوهش فوق می‌توان عوامل امنیتی نظیر تنهایی استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران و نیاز به همگرایی با همسایگان و عوامل اقتصادی نظیر تحریم های بی‌رحمانه غرب و نیاز به توسعه اقتصادی ج.ا.ایران برای بقاء در نظام بین‌الملل را ذکر نمود. هدف اصلی از انجام این پژوهش جلوگیری از هدر رفتن فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در راستای بهبود روابط ایران با سایر کشور های دنیا از جمله کشورهای همسایه و در نهایت ارتقاء سطح کیفی و کمی قدرت بین‌المللی و امنیت ملی ج.ا.ایران با تکیه بر اهمیت پیمان شانگهای و قدرت‌های تأثیرگذار بر تحولات منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران است. در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی برای بررسی موضوع مورد نظر و به منظور اثبات فرضیه مطرح شده، از دستگاه نظری واقع‌گرایی تدافعی استفاده شده است.

۱- پیشینه

سید مرتضی طباطبایی و اسماعیل پورروشن در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی همگرایی‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای» (طباطبایی و پورروشن، ۱۳۹۹: ۱۷-۳۴)؛ (Tabatabai and Poorroshan, 2021: 17-34) به روابط ایران و کشور های عضو پیمان شانگهای با محوریت اقتصادی اشاره کرده‌اند. از مزیت‌های مقاله فوق به بررسی نگاه به شرق در مقابل تحریم‌های پسابرجام می‌توان اشاره کرد. لیکن مقاله فوق صرفاً جنبه‌های اقتصادی را در نظر گرفته و کمتر به سایر منافع ملی و در رأس همه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توجه کرده است که در این پژوهش سایر ابعاد امنیت ملی نیز بررسی خواهد شد.

کردی‌لاک و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تقابل ناتو و پیمان شانگهای در خلیج فارس» (کردی‌لاک و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹۳-۳۷۵)؛ (Kordilak et al., 2021: 375-393) در خصوص تلاش سازمان همکاری شانگهای برای نقش آفرینی در مسائل امنیتی، ایجاد محدودیت برای ناتو و کنترل مسیرهای مواصلاتی انرژی در خلیج فارس، تداعی کننده رویارویی پیمان ورشو با ناتو پژوهش نموده‌اند. از مزیت‌های مقاله فوق می‌توان به راهکارهای پیمان شانگهای در خصوص تقابل امنیتی با ناتو در خاورمیانه اشاره کرد، لیکن به بحث در خصوص امنیت جمهوری اسلامی ایران نپرداخته و مزیت‌های شانگهای را برای ایران برنشانده است.

میرزایی و رضایی پناه در مقاله با عنوان «سیاست‌ها و راهبردهای ناظر بر عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای» (میرزایی و رضایی پناه، ۱۳۹۹: ۲۷-۱)؛ (Mirzai and Rezaipناه, 2021: 1-27) در خصوص تمرکز بر سازمان همکاری شانگهای به دنبال رهیافت سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران نسبت به این سازمان تلاش نموده‌اند. همچنین این مقاله به دنبال بررسی بالا بردن منافع ملی با استفاده از ظرفیت‌های پیمان شانگهای است لیکن در این راستا به طور خاص و ویژه به امنیت ملی نپرداخته در پژوهش پیش رو این موضوع به طور خاص بررسی خواهد شد.

حبیب‌الله جمشیدی و همکارانش در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیرپذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی» (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۶-۱۰۳)؛ (Gamshdi and teammates, 2021: 103-136). به بررسی تأثیرپذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی ایران از رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. در این مقاله بیشترین تأکید بر موضوع ژئوپلیتیکی شده و بر سایر مولفه‌های منافع ملی کمتر توجه شده است. که در این مقاله به سایر مولفه‌های منافع ملی اشاره خواهد شد.

در دوه اخیر در خصوص پیمان شانگهای پژوهش‌های بسیاری با محوریت ایران صورت گرفته لیکن با توجه به عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سال جاری و تحولات منطقه‌ای پژوهش فوق عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری این کشور را به طور اخص مورد بررسی قرار داده است که در جایگاه خود نسبت به سایر پژوهش‌های گذشته دارای نوآوری می‌باشد.

۲- چهارچوب نظری

۲-۱- واقع‌گرایی تدافعی

واقع‌گرایان ساختاری در مورد میزان قدرت تحت کنترل دولت‌ها با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از این جهت، واقع‌گرایان ساختاری را می‌توان به دو گروه کلی واقع‌گرایان تدافعی^۱ و واقع‌گرایان تهاجمی^۲ تقسیم‌بندی نمود. «واقع‌گرایان تدافعی معتقدند که تلاش دولت‌ها برای حداکثرسازی سهم خود از قدرت جهان غیرعقلانه است، چراکه در صورت تلاش برای کسب قدرت بیش از حد، نظام آنها را مجازات خواهد کرد. از نظر آنها، دستیابی به جایگاه هژمونی کار بسیار نسنجیده‌ای است. در مقابل، واقع‌گرایان تهاجمی چون جان مرشایمر^۳ مخالف این دیدگاه هستند و معتقدند که از لحاظ راهبردی کسب قدرت تا حد امکان و در صورت وجود شرایط مناسب، دستیابی به جایگاه هژمونی اقدام کاملاً معقولی برای دولت‌ها به حساب می‌آید. منظور این نیست که پیروزی یا سلطه فی‌نفسه خوب است، بلکه برخورداری از قدرت عظیم بهترین راه تضمین بقای خود است» (مرشایمر، ۱۳۹۶: ۱۵۷)؛ (Mearsheimer, 2018: 157).

¹. National interest

². Defensive Realist

³. Offensive Realist

⁴. John Mearsheimer

موضوع اساسی در بحث میان واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی این است که آیا انگیزه‌های ناشی از نظام بین‌الملل، سبب تشویق کشورها به حفظ و افزایش امنیت خود از طریق تلاش برای حفظ وضع موجود خواهد شد یا آنها خواهان دستیابی به حداکثر امنیت از طریق افزایش قدرت نسبی و نفوذ خود می‌باشند. به عقیده واقع‌گرایان تهاجمی، آنا‌رشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند.

۲-۱-۱- واقع‌گرایان تدافعی و معمای امنیت

معمای امنیت یکی از ارکان اصلی واقع‌گرایی تدافعی است. «معمای امنیت» به‌عنوان بنیادی‌ترین عنصر و جوهر تفکر امنیتی واقع‌گرا محسوب می‌شود. منظور از معمای امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۳)؛ (Moshirzade, 2008: 133). واقع‌گرایان معمای امنیت را به‌عنوان یک وضعیت خطرناک و مخصصه مطلق می‌بینند (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۱)؛ (Shihan, 2009: 2) «واقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند که دولت‌ها به امنیت به‌عنوان منافع اصلی نگاه می‌کنند؛ بنابراین، در پی آن میزان از قدرت‌اند که بقای آنها را تضمین نماید. دولت‌ها شدیداً بازیگران دفاعی‌اند و به‌دنبال قدرت بیشتری نیستند، به‌ویژه اگر کسب قدرت به معنای به خطر انداختن امنیت آنها باشد» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۸۵)؛ (Abdolahkhani, 2011: 85). از همین‌رو، واقع‌گرایان تدافعی معتقدند دولت‌ها باید جوایز مناسبی از قدرت و نه همه قدرت موجود باشند. «راهکار واقع‌گرایی تدافعی برای حل معمای امنیت یا به‌حداقل رساندن عواقب آن خود مبتنی بر اعتمادسازی است، هرچند پایه‌های آن لرزان باشد. این راهکار به‌نوعی در دو گزینه «کاهش احتمال جنگ» و «کاهش احتمال شکست» دارای ظرفیت و توان مناسبی است. در گزینه اول، از طریق اتخاذ راهکاری دفاعی و تلاش برای بروز ندادن رفتارهای تهاجمی سعی در اعتمادسازی امنیتی و کاهش نگرانی‌ها دارد و در گزینه دوم نیز با بالابردن قابلیت‌های دفاعی، در صورت بروز جنگ، احتمال شکست خود را کاهش می‌دهد» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۸۵)؛ (Abdolahkhani, 2011: 85). «ساختار نظام بین‌الملل نیز دولت‌ها را برای حفظ توازن قدرت تشویق می‌کند نه تغییر آن (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۵)؛ (Ghasemi, 2013: 105). بنابراین، از منظر واقع‌گرایی تدافعی، در وضعیت آنا‌رشی، تأمین و تضمین بقا و امنیت برترین و بالاترین هدف کشورهای عاقل است. تنها در صورت تأمین و تضمین این هدف، کشورها می‌توانند بدون خطر و با اطمینان خاطر اهداف دیگری مانند آسایش، رفاه، سود و ثروت را تعقیب نمایند. اما والتز آشکارا باور دارد که بقا به معنای تأمین امنیت کافی مستلزم بیشینه‌سازی قدرت و هژمونی نیست؛ بلکه با کسب و حفظ میزان مناسب و مقتضی از قدرت در موازنه قوای جهانی امکان بقا

¹. Security Dilemma

². Absolute Predicament

³. Hegmony

وجود دارد. «عاقلانه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهبرد تأمین بقا و امنیت نیز موازنه‌سازی است نه توسعه‌طلبی و جنگ» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹)؛ (Dehghanifirozabadi, 2008: 133).

۲-۱-۲- دلایل گرایش کشورها به اتحادها

یکی از کلیدی‌ترین اصطلاحات واقع‌گرایی تدافعی موازنه تهدید است. «استفان والت نظریه‌پرداز برجسته واقع‌گرایی تدافعی، در کتاب «ریشه اتحادها» به تبیین علل و عوامل گرایش کشورها با اتحادها به‌عنوان مبنای رفتار استراتژیک پرداخته است. وی تلاش کرده است تا با نظریه «موازنه تهدید» واقع‌گرایی را اصلاح نماید. این رهیافت درصدد است تا با تعدیل و اصلاح نظریه موازنه قوا توضیح دهد چرا کشورها همیشه بر ضد قدرتمندترین کشور با هم متحد نمی‌شوند. زیرا، توازن‌های قدرت مادی تنها ملاحظات مطرح و مؤثر نیستند؛ قضاوت‌های ذهنی در مورد رفتارها و نیت دیگران نیز مؤثرند» (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۳)؛ (Shihan, 2009: 23). «به گفته والت، در شرایط اقتدارگریزی، دولت‌ها برای حفاظت از خودشان اتحادیه تشکیل می‌دهند. رفتار آنها را تهدیدهایی که احساس می‌کنند رقم می‌زند و قدرت دیگران تنها یکی از عناصر مطرح در محاسبات دولت‌هاست. والت معتقد است ادراک دولت‌ها از تهدید و گرایش آنها به موازنه‌گری برحسب^۴ مؤلفه «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قابلیت‌های تهاجمی» و «نیات تجاوزکارانه» تعیین می‌شود. قدرت کلی، همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری داشته باشد، در مقابل کشوری که منابع کمتری دارد می‌تواند دربردارنده تهدید جدی‌تری باشد. مجاورت جغرافیایی از این‌رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک و مجاور اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت ارضی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوزپیشه تصور شوند، احتمال بیشتری وجود دارد که موجب توازن شوند. نیت تجاوزکارانه تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد» (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۴۳)؛ (Seyfi and Poorhasan, 2019: 43). نکته حائز اهمیت در خصوص دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی آن است که «این رویکرد با ملحوظ داشتن عنصر ادراک از جریان اصلی واقع‌گرایی فاصله می‌گیرد و به تصویر دوم از روابط بین‌الملل میل می‌کند» (منوری و محمدشریفی، ۱۳۹۶: ۱۸۲)؛ (Monavari and Mohamadsharifi, 2018: 182). چون برقراری توازن امر رایجی است، والت نتیجه می‌گیرد که رفتار تجدیدنظرطلبانه و

¹. Stephen Walt

². Balance of threat

³. Overall Capabilities

⁴. Geographic Proximity

⁵. Offensive Capabilities

⁶. Aggressive Intentions

تجاوزگرانه باعث شکست خودش می‌شود و دولت‌های طرفدار وضع موجود می‌توانند نگرش نسبتاً خوشبینانه‌ای در مورد تهدیدات داشته باشند. «در جهانی که توازن رواج دارد سیاست‌هایی که حاکی از خویشتن‌داری و نیکخواهی باشند بهترین سیاست‌ها هستند» (المن، ۱۳۹۲: ۶۱)؛ (Elmen, 2014: 61). از نظر والت، دولت‌ها در مقابل درک تهدید دو نوع سیاست را در پیش می‌گیرند، اول آنکه کشور یا کشورهایی که مورد تهدید واقع شده‌اند، به خاطر وجود تهدید و براساس اصل توازن تهدید به توازن دست می‌زنند و یا اینکه کشور و یا کشورهای مورد تهدید سیاست همراهی را در پیش می‌گیرند، یعنی به منظور حفظ بقا و تأمین امنیت خود با طرف تهدیدکننده متحد می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵)؛ (Moshirzade, 2008: 135). «در رابطه با حالت نخست، والت معتقد است در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت یا قدرت‌های برتر، علاوه بر متغیر قدرت، سه متغیر مورد اشاره نیز تأثیرگذار هستند. او استدلال می‌کند ائتلاف‌های توازن‌دهنده در قبال تهدید شکل می‌گیرند. موارد یادشده به مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شوند که تغییر در هریک دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند» (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۸)؛ (Abasi et al., 2014: 178).

۳- تاریخچه پیمان شانگهای

سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر منطقه ژئوپلیتیک آسیای میانه ظهور کرد. هدف اولیه تأسیس این سازمان، غیرنظامی کردن مرز بین چین و شوروی بود. این سازمان در سال ۱۹۹۶ توسط رهبران چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با هدف برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه، پایه‌گذاری شد. اندکی بعد، ازبکستان هم به این سازمان پیوست و این سازمان رسماً به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر نام داد. نقش اصلی و تعیین‌کننده را در سازمان شانگهای، دو کشور چین و روسیه تشکیل می‌دهند. علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان، هند و افغانستان در سال ۲۰۰۵ و پس از آن بلاروس به عنوان عضو ناظر به سازمان ملحق شدند. در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۵ این سازمان با عضویت هندوستان و پاکستان موافقت نمود و این دو کشور در کوتاه‌تر از دو سال همه شرایط برای عضویت کامل این سازمان را اجرا کردند و عضویت این دو کشور در سازمان همکاری شانگهای در اجلاس رهبران کشورهای عضو این سازمان که طی در ژوئیه ۲۰۱۷ در آستانه، پایتخت قزاقستان، برگزار شد، به تصویب رسید. ایران در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ و در پایان اجلاس بیست‌ویکم که در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان برگزار شد با رأی تمام اعضا رسماً به عضویت این سازمان درآمد. نقش این سازمان از زمان تأسیس آن تاکنون در منطقه

¹. Bandwagoning

افزایش یافته‌است. این سازمان، بر خلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو سابق، هنوز یک معاهده چندجانبه^۱ دفاعی به‌شمار نمی‌رود.

۴- اثرات عضویت ایران در پیمان شانگهای بر امنیت ملی آن

بر مبنای گزاره‌های یادشده می‌توان راهبرد مناسب و مقتضی برای جمهوری اسلامی ایران در برخورد با تهدیدات پیش رو را استنتاج نمود. از این منظر، ائتلاف‌سازی‌های جمهوری اسلامی ایران عمدتاً در ارتباط با امنیت‌سازی و مقابله با اقدامات مخرب بازیگران قدرت‌طلب و طرفدار تغییر وضع موجود معنا و مفهوم پیدا می‌کند. چنین اقدامی در واکنش به معمای امنیتی ناشی از ظهور و قدرت‌یابی پایگاه‌های نظامی امریکا در کشورهای اطراف ایران خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس اهمیت می‌یابد. واقع‌گرایی تدافعی این انتظار نظری را به‌وجود می‌آورد که جمهوری اسلامی ایران از طریق اتخاذ رهیافت دفاع فعال و تقویت اتحاد و ائتلاف از پویایی‌های قدرت و امنیت در راستای منافع خود بهره‌گرفته و با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در مقابل تحریم‌های غرب به ویژه هژمون (آمریکا) واکنش نشان دهد. در این ارتباط، استدلال واقع‌گرایان تدافعی این است که قدرت تهاجمی امریکا و همپیمانانش، توانمندی‌های تهاجمی آنان، مجاورت جغرافیایی حوزه درگیری و کنشگری را با جمهوری اسلامی ایران دربردارنده تمامی عناصر موجد تهدید می‌باشد. در چنین وضعیتی، راهبرد مقتضی و مناسب در برابر تهدید نسبت به موجودیت و منافع ایران، موازنه-گری است.

۴-۱- تغییر رویکرد نظام بین‌الملل به ایران

پذیرفتن ایران به عنوان عنصر رسمی در پیمان شانگهای با توجه به اینکه ۱۲ سال از عضویت ناظر آن می‌گذرد و همواره درخواست عضویت دائم داشته است، لیکن به دلالتی خاص از جمله مخالفت هند، چین و روسیه تا کنون صورت نپذیرفته بود. امروزه تغییرات بنیادینی در ساختار نظام بین‌الملل صورت گرفته و متوجه ایران است. تغییر فوق به تنهایی مربوط به پیمان شانگهای نیست، بلکه امریکا به یک جمع بندی جدید رسیده است. بنا به گفته والتر بایستی به ایران در ساختار نظام جهانی نقش داد زیرا ایران می‌تواند بخشی از بحران‌های منطقه را حل نماید و بخشی از راه‌حل بحران را مدیریت کند.

در فضای فعلی تغییراتی در انگاره ساختاری نظام شکل گرفته است و معطوف به این نیست که با ایران مقابله صورت پذیرد. در واقع دوران نقشه راه ۱۲ ماده‌ای مایکل پمپئو به سر رسیده و یک فضای جدید مبتنی بر نقش‌یابی ایران به وجود آمده است. سطح مقاومت ایران در ساختار نظام

^۱. Multilateral treaty

^۲. Interdics

^۳ Mike Pompeo

بین الملل تاثیر بسیار بیشتری از الگوی رفتاری چین و روسیه در این زمینه دارد. چین و روسیه از زمره قدرت های بزرگ هستند و منطق کشورهای بزرگ منطق رفتار هیئت مدیره نظام جهانی است. این در حالیست که علی رغم وجود اختلافات با یکدیگر در عین حال به منافع یکدیگر توجه دارند. با توجه به تمایل چین و روسیه در راستای عضویت دائم ایران لیکن فشارهای امریکا مانع از این امر می شد. همانگونه که قبلاً اشاره شده است یکی از اهداف پیمان شانگهای مقابله با تروریسم است در صورتی که ایران در سیاست خارجی امریکا به عنوان اصلی ترین حامی تروریسم تلقی می شد. بنابراین امریکا با تکیه بر این منطق همواره چین و روسیه را متقاعد به عدم پذیرش ایران به عنوان عضو دائم می نمود، که در صورت خلاف آن، ساختار وجودی پیمان شانگهای به کل زیر سوال می رفت.

روسیه و چین نگاه مقابله ای با امریکا ندارند. نگاه چین ظهور آرام و روسیه همکاری انتقادی می باشد. بنابراین در فضای فعلی بر اساس ایجاد قابلیت هایی از جمله مقاومت که در برابر سازو کارهای فشار راهبردی و حداکثری غرب، ایران توانست با ارتقاء قدرت خود امنیت ملی را نیز افزایش دهد. وضعیتی که در روابط بین الملل متصور است مانند ورزشکاران هنرهای رزمی است که بازیگر باید توان وارد شدن ضربه به خود را داشته باشد. بازیگری که می خواهد نقش آفرین باشد باید در برابر فشارها بتواند مقاومت نماید. زمانی که در فضای تولید قدرت قرار می گیرد تولید قدرت منجر به تولید تهدید برای بازیگر خواهد شد، ولی زمانی که قدرت را تولید کرد آن قدرت برای بازیگر بازدارندگی ایجاد می نماید. مادامی که ایران بخواهد در منطقه نقش آفرینی کند یا توان هسته ای خود را بالا ببرد باعث می شود ضریب تهدیدات بالا برود و فشارهای فزاینده ای از طرف مخالفان به ایران وارد شود. اما زمانی که ایران در راستای سیاست تقابل با خروج امریکا از برجام قدرت هسته ای خود را مجدداً افزایش داد باعث تولید بازدارندگی شد. در این منطق بازیگر تحت فشار از فشارهای مشابه در آینده در امان خواهد بود. امریکا به این نتیجه رسیده که سیاست مهار همه جانبه دیگر کارکرد خود را از دست داده است و امروز به یک نقطه عطف جدید که بایستی با ایران وارد یک نوع همکاری سازنده شود، رسیده است. فضا تغییر کرده است و امریکا در شرایطی نیست که بخواهد بازی های کم شدت و پر مخاطره به انجام برساند. الگوی رفتاری جو بایدن تا حد زیادی شباهت به بوش پلدر دارد. در این دوران مانند دوره ریاست بوش پدر ایران می تواند بیشترین نقش یابی را در عرصه منطقه ای و بین المللی داشته باشد و با درک واقع گرانه نظام بین الملل در راستای مناقع خود در منطقه به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد باشد.

۴-۲- پیشران های استقبال از عضویت ایران

سازمان همکاری شانگهای با برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان، بخش اعظم

¹. Word-system

². Joe Biden

منطقه اوراسیا با منابع فراوان انرژی و قرار گرفتن در موقعیتی ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، از منظر عناصر زیربنایی توسعه، بسیار قدرتمند و توانا است. همچنین «برخوردراری چهار عضو از اعضای اصلی سازمان از توانمندی هسته‌ای، این سازمان را از لحاظ سخت افزار نظامی نیز در مرتبه بالایی قرار می‌دهد، البته به این موارد، حضور روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت، که توان سیاسی این سازمان را دو چندان کرده را نیز باید افزود» (Zhen, 2021: 35).

در طرف مقابل، عضو جدید این سازمان (ج.ا.ایران) نیز به عنوان یکی از تاثیرگذارترین کشورهای منطقه، در کنار موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود به عنوان محل ارتباط شرق و غرب و محل تلاقی محور عمودی شمال به جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق و غرب مصرف انرژی، پل وصال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد، دارای پتانسیل ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک عظیمی است که قرار گرفتن در شمار غنی‌ترین و توانمندترین کشورهای جهان، با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت (معادل ۹/۴ درصد از کل منابع نفتی کشف شده جهان)، دارنده ۳۳/۶ درصد از ذخایر گاز طبیعی دنیا و منابع گسترده معدنی دیگری چون زغال سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، اورانیم، طلا، منگنز، سرب، روی و... مصادیقی از این توان بالا بوده، که البته موارد دیگری (که در ادامه تشریح خواهد شد) را می‌توان به عنوان پیشران‌های استقبال از ورود به جمع اعضای دائم سازمان، برشمرد:

اول، دکترین گسترش حوزه جغرافیایی با اولویت اعضای بیشتر برخوردار منطقه: راهبرد چین و روسیه، مبنی بر استقبال از ورود اعضاء جدید به سبب قرار گرفتن گستره و راهبردهای جدید بر سر راه سازمان و ارتقاء کارآمدی‌های آن، به عنوان یکی از پیشران‌های تسهیل کننده حضور ایران (به عنوان کشوری با قابلیت‌های محسوس ژئوپلیتیکی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) در جمع سازمان موصوف، قابل اشاره است.

دوم، افزایش وزن ژئوپلیتیکی و موقعیت استراتژیکی سازمان: ایران به عنوان نقطه اتصال پیمان شانگهای با کشورهای حوزه قفقاز و خاورمیانه از موقعیت ژئوپلیتیکی کم نظیری برخوردار است. وضعیت جغرافیایی منحصر به فرد ایران در سازمان شانگهای که این کشور را به پل ارتباطی دریای خزر و خلیج فارس و همچنین محل تلاقی خطوط ترانزیتی میان آسیای مرکزی به ترکیه و سپس به اروپا مبدل نموده، موقعیت ممتازی برای ایران فراهم آورده که می‌تواند اکثر اعضای شانگهای را به مناطق دور دست وصل نماید.

سوم، توازن بخشی به رقابت خاموش قدرت‌های عضو سازمان: با وجود قرار گرفتن روسیه و چین (به عنوان دو عضو اصلی و تاثیرگذار سازمان) در کنار یکدیگر، به دلیل ایجاب ضرورت‌های امنیت ملی، این کشورها برای تحمیل خود به دیگری و برخورداری از نقش برتر در سازمان و

منطقه، همواره رقابتی خاموش با یکدیگر داشته که ورود ایران (به عنوان یک بازیگر مؤثر و تأثیرگذار) در جمع اعضای سازمان شانگهای، می‌تواند نقش قابل توجهی در توازن بخشی یا تغییر توازن میان قطب‌بندی‌های سازمان ایفا کند.

چهارم، تقویت توان مقابله با معضلات ضدامنیت ملی و منطقه‌ای: با توجه به تجربه بالای ایران در مقابله با جرایم سازمان یافته و در راس آن‌ها تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری، ورود این عضو جدید به مجموعه سازمان همکاری شانگهای، توان مقابله‌ای سازمان را در مقابله با معضلات ضد امنیتی (تروریسم، جنایات سازمان یافته، ترانزیت مواد مخدر) و همچنین حمایت از ثبات و امنیت در منطقه سرزمینی سازمان، ارتقا خواهد داد.

پنجم، استقلال سازمان از صادرات و واردات انرژی و مواد خام: افزایش مصرف انرژی در جهان و حضور کشورهای صنعتی و مصرف‌کننده انرژی در سازمان شانگهای، زمینه مناسبی جهت همکاری در موضوع انرژی ایجاد کرده و جایگاه و نقش ممتاز ایران به عنوان یکی از صادرکنندگان برتر انرژی در جهان، رغبت اعضای تأثیرگذار را به حضور این عضو توانمند در جمع سازمان مضاعف نموده است. عضویت دائم ایران در شانگهای، مجموع ذخایر گاز این سازمان را از ۳۰ درصد به تقریباً ۵۰ درصد و ذخایر نفت آن را از ۸ درصد به ۱۸ درصد کل ذخایر کشف شده انرژی در جهان، افزایش داده و نیاز اعضای سازمان به تامین انرژی از کشورهای غیرعضو را به حداقل تقلیل داده است. به خصوص که ایران عضو مؤثری در سازمان اوپک نیز به شمار می‌آید و ارجحیت دادن به منافع کشورهای عضو، می‌تواند در سیاست‌های تعیین قیمت جهانی نفت به نفع اعضا مؤثر باشد.

ششم، همراهی ایران در تقویت جبهه مقابله با هژمونی آمریکا در جهان: سازمان همکاری شانگهای انعکاسی از افزایش همکاری امنیتی بین روسیه و چین است که از منتقدان اصلی ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌المللی بوده و با رویکرد چندجانبه خود، عزمی جدی برای مقابله با نظام تک‌قطبی مورد نظر ایالات متحده دارد و تفکر توسعه‌طلبانه ایالات متحده را با چالشی جدی روبه‌رو ساخته است؛ از این رو حضور ایران (با دکتترین ضد آمریکایی و نفی سلطه) به عنوان ضلع سوم این مثلث، می‌تواند تقویت‌کننده این جبهه ضد هژمونی آمریکا باشد.

هفتم، حضور کشورهای تأثیرگذار ادیان دنیا در جمع سازمان: با توجه به گردآوری سه حوزه تمدنی بودایی، ارتدوکس و هندو در مجموعه سازمان شانگهای، با ورود ایران، با توجه به تأثیرگذاری ایران در تحولات جهان اسلام و مرجعیت ایران در جهان تشیع، دنیای اسلام نیز به حیطة این چتر ایدئولوژیک و فرهنگی، مزید گردید و شاید بتوان به جرات این سازمان را از بعد فرهنگی و مذهبی و عضویت کشورهای تأثیرگذار در ادیان چهارگانه اسلام، مسیحیت (ارتدوکس)، بودا و هندو، در سطح دنیا کم‌نظیر قلمداد نمود.

۴-۳- تمایزهای عملکرد در قالب ناظر و عضویت دائم

تفاوت و تمایز در امتیاز و البته اختیارات اعضای دائم و ناظر، به عنوان یک اصل بدیهی، مختص

سازمان همکاری‌های شانگهای نبوده و در همه اجتماعات، تشکلهای سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، حیثیت اختیارات این دو نوع اعضا قابل قیاس با یکدیگر نیست.

در ارتباط با اعضای ناظر همانگونه که از نام آن برمی‌آید، بیشتر از این که در مباحث تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نقش آفرین باشد، دارای نقش مشورتی و نظارت (حضور بدون اختیار ارایه نظر) در جلسات است. «بر اساس قوانین و اساسنامه تشکیل سازمان همکاری‌های شانگهای، اعضای ناظر این سازمان (متشکل از دولت و سازمان‌های ناظر) با وجود برخورداری از امتیاز شرکت در نشست‌های شورای وزیران خارجه و کنفرانس سران وزارتخانه‌ها، فاقد حق رای و اظهار نظر بوده و تنها با موافقت قبلی رئیس می‌توانند در مباحث مورد صلاحیت ارگان‌های سازمان که به صورت بیانیه‌های مکتوب از سوی دبیر اجرایی توزیع می‌شود، با قید این شرط که در چهارچوب صلاحیت سازمان همکاری‌های شانگهای باشد، مشارکت نمایند» (Sean, 2021:11).

یکی دیگر از محدودیت‌های اعضای ناظر، عدم برخورداری از حق شرکت در تهیه و امضا و هرگونه دخل و تصرف و اظهار نظر در روند تدوین اسناد سازمان است. مزید بر این، اعضای ناظر نه در جزئیات تصمیم‌گیری‌های ارگان‌های سازمان شرکت می‌کنند و نه مسئولیتی در قبال این تصمیم‌گیری‌ها دارند. در مقابل وضعیت بالا و محدودیت‌های اعضای ناظر، عضویت رسمی و دائم در نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان‌های شانگهای، از حوزه اختیارات به مراتب گسترده‌تری برخوردار است.

سران کشورهای عضو دائم (به عنوان بالاترین سطح نمایندگان اعضا) علاوه بر امتیاز میزبانی جلسات سالیانه شورا (بر اساس حروف اول نام کشورها در الفبای زبان روسی) ریاست دوره‌ای سازمان را نیز عهده دار شده و با بهره‌مندی از اختیارات و قابلیت‌های ارزشمند، از نقش و وظایف موثر در تعیین خط و مشی، تدوین اهداف و چشم‌اندازها و... برخوردار هستند که مواردی از آنها در زیر مورد اشاره قرار گرفته است:

اول، معرفی زمینه‌ها و تعیین اهداف و اولویت‌های سازمان؛ دوم، تعیین مسائل اساسی مرتبط با ساختار داخلی فعالیت‌های سازمان؛ سوم، تصمیم‌گیری در امور اساسی همکاری سازمان با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی؛ چهارم، بررسی و انتشار بیانیه‌های مطبوعاتی؛ پنجم، بررسی مسائل حساس بین‌المللی و برخورداری از حق ارایه نظر و تصمیم‌گیری؛ ششم، تصویب بودجه سازمان به عنوان مشخص‌کننده روند اقدامات، برنامه‌ها و اهداف آتی؛ و هفتم، بررسی و تعیین امور اصولی همکاری در چهارچوب چارت اصلی سازمان به‌ویژه همکاری‌ها اقتصادی.

۴-۴- فرصت‌های حاصل از عضویت دائم ایران

فلسفه کارکردی سازمان‌ها در طول تاریخ تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها است. به بیانی دیگر تنازع و رقابت به سمت همکاری و تعامل سوق می‌یابد. روابط کشورها در سازمان‌ها از قاعده حاصل

جمع جبری صفر به حاصل جمع جبری مضاعف تبدیل می‌کند. از این نظر با «عضویت ایران در شانگهای فرصت‌های مختلف متقابل‌ی نصیب ایران و اعضای این سازمان شده است که موارد زیر، گوشه‌ای از نتایج این بازی برد-برد (به شرط رعایت صحیح قواعد بازی توسط طرفین) است و بر این اساس، عضویت دائم در سازمان شانگهای، از این پس ایران را به عنوان قدرتی که علاوه بر پشتوانه محکم مردمی و اعتقادی داخلی با یک پشتوانه بزرگ سیاسی-اقتصادی-امنیتی خارجی نیز همراه شده، معرفی خواهد کرد که طبعاً اثر تهدید و فشارهای غرب را به مراتب خواهد کاست» (Cheng, 2021:107).

اهمیت این مسئله آنگاه روشن‌تر می‌شود که بدانیم بخش عمده‌ای از فشارهای اقتصادی و سیاسی سالیان گذشته غرب بر ایران، با حضور در یک پیمان منطقه‌ای موثر، محکوم به کاهش بوده و به طور قطع از دامنه اثرگذاری آن کاسته خواهد شد.

سازمان همکاری‌ها شانگهای با حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی دنیا، از جمله محدود سازمان‌هایی با ماهیت هم‌زمان اقتصادی و امنیتی-نظامی است که «حوزه تمدنی آنگلساکسونی» به آن راه نداشته و ظرفیت‌های توسعه خود را تنها بر بستر کشورهای مستقل از هژمونی غرب بنیان نهاده است. این ویژگی مهم در کنار عملیاتی شدن راهبرد نگاه به شرق در ایران، سبب شده تا عضویت دائم ایران در این سازمان به عنوان ضربه‌ای به راهبرد غربی‌ها برای محدودسازی ایران تلقی شده و آن را به مثابه مکمل فرآیند قدرت‌یابی بلوک قدرت جدید و انسجام غرب و شرق آسیا در برابر خود ارزیابی کنند. به این موضوع این نکته مهم را نیز باید افزود که عضویت ایران در پیمان شانگهای به عنوان بزرگترین اتحادیه جغرافیایی جهان، موجب بازشدن مسیر جدید همکاری‌ها امنیتی در قالب یک پیمان امنیت جمعی خواهد شد که به دلیل قرار گرفتن ایران در مسیر کریدور شمال به جنوب و غرب به شرق اهمیت بسیار زیادی دارد. قرار گرفتن ایران در گلوگاه این دو شاهراه، علاوه بر جایگاه ویژه ایران در تامین انرژی که به شدت مورد نیاز چین و هند به عنوان دو عضو مهم پیمان شانگهای است در کنار پیمان‌های راهبردی دوجانبه با چین و هند از جمله سند همکاری ۲۵ ساله با چین در ردیف مزیت‌های دوسویه حضور ایران در شانگهای است. موارد زیر از جمله مزیت‌های بالقوه این عضویت است که تغییر آن به بالفعل مستلزم اهتمام طرفین است:

اول، نفوذ هر چه بیشتر سازمان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی؛ دوم، تعامل در جبهه ضد تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی؛ سوم، اتحاد پایدار در تقابل با هژمونی آمریکا در منطقه؛ چهارم، افزایش تاثیرگذاری ایران به ویژه از لحاظ سیاسی در سطح فرامنطقه‌ای؛ ششم، تعهدآور نبودن بندهای اساسنامه در شرایط خاص؛ هفتم، امکان گفتگو، تعامل و اظهار نظر در باب موضوعات مهم منطقه‌ای در این سازمان؛ هشتم، بهره‌بردن از مزایای فراوان ترانزیتی، کارآفرینی و... صندوق جاده ابریشم؛ نهم، بهره‌مندی از صندوق اعتبارات سازمان شانگهای جهت توسعه

زیرساخت‌های ارتباطی؛ دهم، تسهیل دسترسی به بازار کشورهای عضو و افزایش تعاملات تجاری با دیگر کشورها؛ یازدهم، تحکیم و تقویت روابط با کشورهای حوزه جغرافیای فرهنگی (آسیای مرکزی)؛ دوازدهم، بلوک‌بندی جدید در عرصه قدرت جهانی با محوریت ایران، چین و روسیه؛ سیزدهم، دستاورد امنیتی و تامین منافع ملی کشور از طریق ارتقا و تثبیت پایه‌های اقتصاد و سیاست؛ و چهاردهم، خروج از فشار پر هزینه تحریم‌های اعمال شده تضعیف کننده امنیت و منافع ملی ج.ا.ایران؛ و امنیت در حوزه انرژی (تضمین فروش توسط ایران و اطمینان از خرید توسط اعضای مصرف کننده).

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن موقعیت ژئوپلیتیک منطقه، جمهوری اسلامی ایران همواره محور تهدیدات امنیتی، اقتصادی و فرهنگی از جمله: فشارهای اقتصادی غرب به محوریت امریکا، اقدامات تجزیه طلبانه اقوام کشورهای همجوار با طراحی رژیم اسرائیل، اقدامات امنیتی و اطلاعاتی کشورهای حاشیه خلیج فارس بخصوص پیمان‌های نظامی و اطلاعاتی در خصوص ایجاد پایگاه‌های امریکا در این کشورها بوده است. در این راستا مسئولین جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف ملی و فراملی سیاست خارجی در راستای ارتقاء امنیت ملی خود می‌بایست کوششی مضاعف نسبت به پیش از خود نشان دهند و با تکیه بر اصول واقع‌گرایی تدافعی به همگرایی منطقه‌ای (موازنه تهدید به جای موازنه قدرت) روی بیاورند. عضویت ج.ا.ا. در سازمان همکاری شانگهای بر همین مبنا و نگاه به شرق در راستای خنثی‌سازی اقدامات خصمانه غرب صورت پذیرفته است. بنابراین ایران می‌تواند با سیاست‌های درست و برنامه‌ریزی‌های صحیح و مدیریت قوی، ابتدا زیر ساخت‌های کشور را تقویت نماید، چرخ تولید را به خوبی به گردش درآورده و با استفاده از بسترهای مناسب کشورهای سازمان همکاری شانگهای صادرات را بیش از پیش تقویت نماید. همچنین در راستای ارتقاء توان امنیتی خود با همکاری کشورهای عضو خصوصاً چین و روسیه که سهم قابل توجهی در تدوین سیاست‌های سازمان ملل در قبال ج.ا.ا. دارند، می‌تواند به ارتقاء جایگاه ج.ا.ا. ایران در نظام بین‌الملل و خنثی‌سازی اتهامات امریکا در راستای تخریب وجهه بین‌المللی ج.ا.ا. کمک شایانی نماید. از این رو هر قدر امنیت ملی یک کشور در نظام بین‌الملل ارتقا یابد بنا به نظریه واقع‌گرایی قدرت چانه زنی آن کشور در نظام آنارشیک بین‌الملل بالا خواهد رفت.

جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران‌های اشاره شده بر اساس نشانه‌هایی از دفاع فعال و اتحاد

¹ . Regional Integration

² . Balance of Threat

³ . Neutralization

و ائتلاف با بازیگران منطقه‌ای، خصوصاً کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، در مقابل غرب ایستاده است. استدلال واقع‌گرایان تدافعی این است که قدرت تهاجمی غرب، توانمندی‌های تهاجمی پایگاه‌های امریکایی در مجاورت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران و همچنین نیت تجاوزکارانه آن در خصوص براندازی نظام سیاسی ایران، در بردارنده تمامی عناصر موجد تهدید می‌باشد. در واقع، تهدیدات فزاینده و چندبعدی امریکا و همپیمانانش ابعاد و جلوه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئوکالچری امنیت ایران را در سطوح سه‌گانه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر قرار داده است.

در چنین وضعیتی، راهبرد مقتضی و مناسب در برابر تهدید نسبت به موجودیت و منافع ایران، برقراری موازنه در برابر تهدید است. بر اساس یافته‌های این پژوهش و با استناد به گزاره‌های نظری رهیافت واقع‌گرایی تدافعی می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران از طریق اتخاذ رهیافت دفاع فعال و تقویت اتحاد و ائتلاف با بازیگران منطقه‌ای به روند قدرت‌یابی و قلمروگستری امریکا واکنش نشان داده است. بهره‌گیری از سیاست اتحاد و ائتلاف در سیاست خارجی ایران در منطقه، واکنشی تدافعی برای رفع تهدیدات امنیتی است. از این زاویه، تحکیم پیوندهای استراتژیک، ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری ایران با کشور های عضو سازمان همکاری شانگهای به خصوص روسیه و چین را می‌توان واکنشی تدافعی به این تهدیدات قلمداد کرد. پیوند ایران با چین اتحادی استراتژیک و عمل‌گرایانه و پیوند ایران با روسیه اتحادی ژئوپلیتیکی و استراتژیک به منظور مقابله تدافعی با تهدیدهای امنیتی و اقتصادی مشترک محسوب می‌شود. واضح است که تداوم چنین وضعیتی مطلوب منافع ملی جمهوری اسلامی و در راستای اصول و اهداف سیاست خارجی ایران در دراز مدت خواهد بود. از این جهت، ایران به دنبال آن بوده که چالش ناشی از تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی غرب را به یک فرصت راهبردی تبدیل نماید؛ به گونه‌ای که از طریق تحکیم و تثبیت موقعیت و جایگاه خود در سازمان همکاری شانگهای در قطب‌بندی‌های قدرت در منطقه، امنیت فرامرزی ایران را به میزان قابل ملاحظه‌ای ارتقا بخشد.

بر اساس نظر والت، تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد، بلکه تصویری است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند، موردنظر است. براساس نشانه‌های که در این پژوهش مورد اشاره قرار گرفت، راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال فشارهای بیش از پیش غرب بر اساس نشانه‌هایی از تداوم و مقاومت در الگوی رفتاری سازمان‌دهی و عملیاتی گردیده است. در واقع، ایران در این حوزه از راهبرد موازنه‌گری سخت و اتحاد و ائتلاف به‌عنوان سازوکار اصلی در مقابله با تهدیدات بهره گرفته است. شواهد موجود به‌ویژه عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای به‌وضوح حاکی از مطلوبیت و کارآمدی رهیافت واقع‌گرای تدافعی ایران در راستای ارتقاء توان امنیت ملی است.

منابع فارسی

۱. جمشیدی، حبیب‌الله، مهکویی، حجت، گودرزی، مهناز، مومنی، مهدی. (۱۳۹۹). تأثیرپذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی. *فصلنامه علمی راهبرد*، ۲۹(۳)، ۱۰۳-۱۳۶.
۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷). *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. سیفی، عبدالمجید، پورحسن، ناصر. (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۱(۴۱)، ۶۳-۳۷.
۴. شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. طباطبایی، سیدمرتضی، اسماعیل پورروشن، علی اصغر، دانیالی، تهمینه، لطفی، حیدر. (۱۳۹۹). ارزیابی همگرایی‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای. *فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۷(۲)، ۱۷-۳۴.
۶. عباسی، مجید؛ قیاسی، امیر، باباجانی پور، زهرا. (۱۳۹۲). راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۷(۱)، ۱۹۸-۱۷۵.
۷. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۸. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۳). *اصول روابط بین‌الملل*. تهران: نشر میزان.
۹. کردی کلاک، مهدی، حیدرپور، ماشالله، جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی تقابل ناتو و پیمان شانگهای در خلیج فارس. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۲(۴۶)، ۳۹۳-۳۷۵.
۱۰. مرشایمر، جان. (۱۳۹۶). *واقع‌گرایی ساختاری*، در: تیم دان، استیو اسمیت و میلجا کورکی. *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه عبدالمجید سیفی و شهرزاد مفتوح. تهران: نشر میزان.
۱۱. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
۱۲. المن، کالین. (۱۳۹۲)، *واقع‌گرایی، در پل دی ویلیامز، درآمدی بر بررسی‌های امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. منوری، سیدعلی، محمدشرفی، مجید. (۱۳۹۶)، *واقع‌گرایی تدافعی و منطق موجودیت ناتو پس از یازده سپتامبر*، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۳(۳)، ۲۰۲-۱۷۶.
۱۴. میرزایی کشته‌ای فراهانی، نرگس، رضایی پناه، امیر. (۱۳۹۹). سیاست‌ها و راهبردهای ناظر بر عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای (امنیت و توسعه ملی در بافت روابط سازمانی)، *ششمین همایش ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت*، در: <https://civilica.com/doc/1233798/>

English References

1. Yang, C. (2021). Afghanistan Problems and Scs Political Agenda for the Next Decade. *China Us Focus*.
2. Sean, Y. (2021). Power Politics in Central Asia: The Future of the Shanghai Cooperation Organization, *Harvard Asia Quarterly*.
3. Zhen, Y. (2021). China's Foreign Aid to the Middle East: History and Development; *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 14(2), 301-321.

Translated References to English

1. Abbasi, M., Ghiyasi, A., Babajanipour, Z. (2013). The Strategy of Unity around the Zionist Regime and the Theory of Balancing the Threat in International Relations, *Foreign Policy Quarterly*, 27(1), 175-198. **(In Persian)**
2. Abdolkhani, A. (2010). Security Theories, Tehran: *Abrar Contemporary International Studies and Research Cultural Institute*, Tehran. **(In Persian)**
3. Dehghani-Firoozabadi, S. (2008). A Conceptual Framework for Evaluating the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Tehran: Vice Chancellor for Research*, Islamic Azad University. **(In Persian)**
4. Elman, C. (2013). Realism, in Paul de Williams, An Introduction to Security Studies, translated by Alireza Tayeb, *Tehran: Amirkabir Publications*. **(In Persian)**
5. Ghasemi, Farhad. (2014). Principles of International Relations. *Tehran: Mizan Publishing*. **(In Persian)**
6. Jamshidi, H., Mahkouii, H., Godarzi, M., & Momeni, M. (2020). Geopolitical Impact of National Interest of the Islamic Republic of Iran on Competition NATO and the Shanghai Cooperation Organization in Central Asia. *Strategy*, 29(3), 103-136. **(In Persian)**
7. Kurdi-Klak, M., Heydarpour, M., Javadani-Moghadam, M. (1400). Examining the Conflict between NATO and the Shanghai Pact in the Persian Gulf. *Political and International Research Quarterly*, 12(46), 375-393. **(In Persian)**
8. Manouri, S., Mohammad Sharifi, M. (2017). Defensive Realism and the Logic of NATO Existence after 11/9, *Geopolitical Quarterly*, 13(3), 176-202. **(In Persian)**
9. Mersheimer, J. (2017). Structural Realism, in: Tim Don, Steve Smith and Milja Korke,

- Theories of International Relations, translated by Abdolmajid Seifi and Shahrzad Moftouh. *Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)*
10. Mirzaei Keshhai Farahani, N., Rezaei Panah, A. (2019). Policies and Strategies Regarding Iran's Membership in the Shanghai Cooperation Organization (National Security and Development in the Context of Organizational Relations), *6th National Humanities and Management Studies Conference*, at: <https://civilica.com/doc/1233798/> **(In Persian)**
 11. Moshirzadeh, H. (2007). Evolution in Theories of International Relations, *Tehran: Samat. (In Persian)*
 12. Seifi, A., Pourhassan, N. (2018). ISIL and the emergence of the threat balance in Iran-Iraq relations, *Journal of International Relations Studies*, 11(41), 37-63. **(In Persian)**
 13. Sheehan, M. (2009). International Security, translated by Seyed Jalal Dehghani, Firoozabadi, *Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (In Persian)*
 14. Tabatabai, S.M., Esmail Pourroshan, A.A., Daniyali, T., Lotfi, H. (2019). Evaluation of Economic Convergence between the Islamic Republic of Iran and the Member Countries of the Shanghai Organization. *Scientific and Research Quarterly of New Approaches in Human Geography*, 12(2), 17-34. **(In Persian)**
 15. Yang, C. (2021). Afghanistan Problems and Scos Political Agenda for the Next Decade. *China Us Focus*.
 16. Yom, S. (2021). Power Politics in Central Asia: The Future of the Shanghai Cooperation Organization, *Harvard Asia Quarterly*.
 17. Zhen, Y. (2021). China's Foreign Aid to the Middle East: History and Development; *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 14(2), 301-321.